

عَصْر

فصلنامه علمی دانشجویی عصر

سال پنجم | شماره یازدهم | زمستان ۱۴۰۱
قیمت: ۴۵۰۰ تومان



محور اصلی این شماره:



پیامبر اکرم (ﷺ):

نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ

مولفه های قرآنی امنیت روانی

امنیت ملی و تاثیر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در تضمین آن

امنیت وجودی متافیزیک

بایسته‌های اجتماع جهت اجرای امنیت بر مبنای تعالیم اسلامی

اللَّهُ حَسْبُ الْكَافِرِينَ



ساسنام

انجمن علمی الهیات
۶۱۸ / ک ن ش (۵ تیرماه ۱۴۰۱)

سیده محبوبه کشفی

حمید ایماندار

سیده محبوبه کشفی

زهرا شمشیری

حسن پوردرویش

تهمینه قائدی

امیدرضا انصاری جابری

زینب حسن پور

سیده محبوبه کشفی

سیده محبوبه کشفی

دکتر حمید ایماندار، دکتر منصوره رحمانی،

دکتر قاسم کاکایی، دکتر محمد مهدی آجیلیان،

دکتر محمد باقر عباسی، دکتر زهرا قاسم نژاد،

دکتر علی اکبر کلانتری، دکتر محمدجواد سلمانپور،

دکتر مجتبی جاویدی، دکتر صبورا حاج علی اورک پور

دکتر حمید ایماندار

asr.nashrieh329@gmail.com

۰۹۱۷۸۱۴۴۹۲۷

صاحب امتیاز

شماره مجوز

مدیر مسئول و سردبیر

هیأت تحریریه

گرافیسٹ و صفحہ آرا

ویراستار

هیأت داوران

استاد مشاور

راه های ارتباط با نشریه

فهرست

| | |
|----|---|
| ۵ | در محضر قرآن |
| ۶ | شرایط پذیرش مقالات |
| ۷ | سخن سردبیر |
| ۸ | مؤلفه های قرآنی امنیت روانی |
| ۱۰ | امنیت روانی |
| ۱۱ | بایسته های اجتماع جهت اجرای امنیت بر مبنای تعالیم اسلام |
| ۲۱ | امنیت وجودی متافیزیک |
| ۲۵ | امنیت ملی و تاثیر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در تضمین آن |
| ۳۱ | معرفی کتاب |
| ۳۲ | مناسبت ها |

محضر درس قرآن

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ
إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (زمر / ۵۳)

بگو: «ای بندگان من - که بر خویشتن زیاده روی روا داشته‌اید -
از رحمت خدا نومید مشوید. در حقیقت، خدا همه گناهان را
می‌آمرزد، که او خود آمرزنده مهربان است.»



شرایط پذیرش مقالات

نویسندگان محترم و همراهان نشریه عصر، به منظور بهبود مراحل دریافت و انتشار متن‌ها به نکات ذیل توجه فرمایید؛

- هر مقاله حدود ۷ الی ۱۰ صفحه کاغذ A۴ باشد.
- کلیدواژگان (۵ تا ۷ واژه) پس از چکیده قرار گیرد.
- نوشته‌ها با نرم افزار Word ۲۰۱۳ یا Word ۲۰۱۰ و فونت B Zar و اندازه‌ی ۱۲ از طریق راه‌های ارتباطی مذکور در صفحه شناسنامه ارسال شود.
- مشخصات نویسنده یا نویسندگان از جمله نام و نام خانوادگی، پست الکترونیکی و عکس ارسال شود.
- فایل‌های خود را به دو صورت Word و PDF جهت جلوگیری از اتصال حروف، ارسال شود.

از همکاری و حسن توجه شما مخاطبان محترم بسیار سپاسگزاریم.

سخن سردیر

امنیت، شروع آرامش

امنیت، یکی از ضروری‌ترین نیاز افراد و مهم‌ترین سرمایه اجتماعی تمامی دولت‌ها است. این مهم از اساسی‌ترین مسائل در هر جامعه‌ای است که اثرگذاری آن در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی افراد نمود دارد. ظهور اسلام در جامعه، نقش موثر در ایجاد و تقویت امنیت افراد جامعه دارد که ابعاد مختلفی برای آن می‌توان نام برد، از جمله امنیت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، زیست محیطی، سایبری، علمی و نظامی.

خداوند متعال در قرآن کریم، امنیت را در سایه هدایت متذکر می‌شود: «فَإِذَا يُتِيَنَّكُمْ مِّنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره/ ۳۸) «پس اگر از جانب من شما را هدایتی رسد، آنان که هدایت‌م را پیروی کنند بر ایشان بیمی نیست و غمگین نخواهند شد». انسان با ملتزم شدن به دستورات الهی می‌تواند خود را در مسیر هدایت الهی و امنیت حقیقی قرار دهد و بدین ترتیب آرامش واقعی و ماندگار را از آن خود کند. آرامش از جمله پیامدهای مثبت و مهم از برقراری امنیت است که هر فردی فارغ از دین خود، بدان نیازمند است. نهادها و گروه‌های فعال در جامعه بر مبنای برقراری امنیت می‌توانند با اطمینان خاطر و آرامش، به فعالیت‌های خود پردازند.

این شماره از نشریه با محوریت موضوع «امنیت» در اختیار شما خوانندگان محترم قرار خواهد گرفت تا بدین طریق سهم کوچکی در آگاه‌بخشی نسبت به ضرورت این مهم داشته باشیم. در این جا بر خود لازم می‌دانم که از تمامی اساتید محترم، اعضای هیأت تحریریه نشریه و دانشجویان محترمی که با ارسال مطالب خود در قالب مقالات علمی، یادداشت و معرفی کتاب بر غنای نشریه افزودند؛ تشکر و قدردانی نمایم. امید آن است که با مطرح کردن این موضوع، قدمی در آگاه‌بخشی نسبت به اقتدار ماندگار جمهوری اسلامی برای همه‌ی مخاطبان و دانشجویان فراهم شود.



سیده محبوبه کشفی
مدیر مسئول و سردبیر نشریه

مولفه‌های قرآنی امنیت روانی

(وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ... وَلَكِنْ يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ. (شوری/۷۲)، (لَيْسَ لِلإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى) (نجم/۹۳)، (لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا) (طلاق/۷) را توصیه می‌کند. این نگاه متعالی با جایگزینی تکلیف‌گرایی به جای نتیجه‌گرایی و همت عالی به جای جاه‌طلبی آسیب‌زای وجودگرا، نقش بی‌بدیلی در ایجاد آرامش روانی و افزایش عزت نفس پایدار فردی خواهد داشت.

۲. تکیه بر کرامت ذاتی و درونی به جای احاله آن به توفیقات اجتماعی؛ انسان از نگاه دینی، واجد کرامت ذاتی بوده و همین امر عزت نفس و حس خودشفقت‌ورزی را برای عموم دین‌داران تأمین می‌کند. اما کرامت عرضی و مبتنی بر ایده، خود تحقق بخش فلسفه‌های اومانستی نه عمومیت و نه ماندگاری دارد.

۳. حذف سرخوردگی‌های ناشی از عدم توفیق و ظلم، با اتکا به مقدرات این جهانی و عالم فرا این جهانی؛ تنها یک فلسفه دینی می‌تواند بسیاری از مصادیق شرور ابتدایی و عوارضی این جهانی همگون معلولیت‌ها و بلایای سهمناک را حل کند؛ آن هم با تکیه عاقلانه بر تقدیرات (مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ... (حدید/۲۲) و پذیرش آموزه‌های کلامی انتصاف و عوض در مقابل بی‌عدالتی‌های گریزناپذیر و پر دامنه این جهانی. فرد سکولار و لائیک با ضعف شناختی و رفتاری در قبال شرور این جهانی، به ورطه استیصال و تشویش روانی خواهد افتاد.

۴. تأمین غریزه ابدیت خواهی و جاودانگی بشر؛ این مهم بخش مهمی از پازل تکامل وجودی انسان بوده است (بَلْ تُؤْتِرُونَ الْحَيَاةَ

آن‌چه بیش از پیش معنویت‌گرایی دینی در عصر حاضر را شدت بخشیده، عدم کفایت مادی‌گرایی انسان‌محور و معنویت‌ها و عرفان‌های سکولار است که با تکیه بر ایده شکوفایی و تکامل دنیوی به جای رشد، تعالی، معرفی خودیاری، خودتحقق بخشی وجودگرا و مثبت اندیشی غیرواقع‌گرا به مثابه دینی جدید در صدد تأمین حس غربت و دلهره‌های وجودی بشر و گذر دادن وی از موقعیت‌های مرزی همچون ترس، مرگ و یاس بوده‌اند. در این راستا از ابزار تلقین، تخدیر و تنوع بهره برده شده است.

سرگرمی، کار عمیق و هنرورزی را به‌سان گریزی از سیطره ملال‌کشنده معرفی نموده و به این سطح نامتعالی فلسفه ورزی نموده‌اند. به عبارت دیگر، آرامش موقت و ناپایدار این جهانی در کنار عدم سیراب نمودن استعدادهای بی‌نهایت انسانی را تزییق کردند. وجود واقعیاتی چون افزایش ملال، افسردگی و خودکشی در جوامع رفاه زده، مهر تاییدی بر عدم توفیق فلسفه‌های ماتریالیستی و سکولار در تحقق امنیت روانی بشر مدرن است.

در اینجا می‌توان مولفه‌های متمایزی را در سبک زندگی قرآنی معرفی نمود، که می‌تواند با خوبی ضعف و خلاءهای اساسی این فلسفه‌ها را روشن نماید:

۱. نگاه متعادل به مقوله رنج؛ رویکرد قرآنی از بدبینی فلسفه‌های بودیستی، نیهیلیستی، رهبانی‌گری، خوش‌بینی افراطی، فلسفه‌های مثبت‌گرا و لذت‌محور به دور بوده و بدون غمض عین از رنج وجودی انسان (لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ) (بلد/۴) بهره‌بری متعادل از دنیا (وَلَا تَنْسَ نَفْسِكَ مِنَ الدُّنْيَا) (قصص/۷۷) و اجمال و تعادل در طلب رزق

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَبْقَى) (اعلی / ۶۱-۷۱) و در فلسفه‌های سکولار از آن غفلت و یا تغافل شده است. نکته مهمی در تامین عزت نفس و امنیت روانی انسان است.

۵. تقلیل سپهرهای انسانی به زیباشناسی و اخلاقی؛ حذف سپهر دینی از ساحت تربیت انسانی و در پی آن غفلت از خوبی و جایگزینی آن با حق، زیبایی و خوشی، مابین با حس کمال جویی انسان بوده است. همچنین امکان بالقوه وصول به مقام خلیفه الهی را از او سلب خواهد کرد و خود نقطه اطلاق بر کاستن از رضایت بشر از زیست این جهانی او خواهد شد.

۶. افتادن در ورطه یاس فلسفی با عجز از تحقق آرمان اصالت خویشتن؛ پوچی آرمان اصالت و خود بودن و ارزش آفرینی فارغ از صبغه الهی نفس انسانی یاس آفرین بوده و امنیت روانی انسان را مخدوش خواهد نمود؛ در حالی که فردیت یافتن انسان دین مدار در سایت سعی و حرکت در فراسوی مادی گرایی حاصل می‌شود، بدون اینکه به سرخوردگی حاصل از عدم حصول به نتیجه نهایی و عطش زایی مادی گرایی گرفتار آید. (يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ) (انشقاق / ۶)

۷. حذف ذکر؛ (أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ) (رعد / ۸۲)، (وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا) (طه / ۴۲۱) و ایمان (الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ) (انعام / ۲۸) به مثابه ابزار امنیت بخش الهی.

۸. محروم ساختن انسان از جریان ربط قلب: (وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا) (کهف / ۴۱)، (إِنْ كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَنْ رَبَطْنَا عَلَى قَلْبِهَا) (قصص / ۰۱)

۹. محروم ساختن انسان از جریان رجای الهی به مثابه ابزار تاب آوری و معنادار کردن رنج؛ (وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ

فَاتَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ) (نساء / ۴۰۱)

۱۰. قطع جریان رویت خدا و اولیا خدا به مثابه ابزار اطمینان بخش؛ (وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ) (توبه / ۵۰۱)، (وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا) (طور / ۸۴)

۱۱. قطع جریان صلاه؛ (إِنْ صَلَاتِكَ سَكَنَ لَهُمْ) (توبه / ۳۰۱)، سلام (سَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى) (نمل / ۹۵)، سلام علی نوح (فِي الْعَالَمِينَ) (صافات / ۹۷) و امنیت بخشی (قُلْ أذنُ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ) (توبه / ۱۶).

۱۲. محرومیت بشر از جریان سکینه الهی؛ (أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ) (توبه / ۶۲)

۱۳. قطع جریان هدایت و معیت الهی؛ (فَلَمَّا تَرَأَى الْجَمْعَانَ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ) (شعراء / ۲۲-۱۲)، (قَالَ لَا تَخَافَا إِنَّنِي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَى) (طه / ۶۴)

۱۴. وانهادن مرتبه علو ایمانی به مثابه ابزار امنیت بخش؛ (انتم الأعلىون إن كنتم مؤمنين) (آل عمران / ۹۳۱)، (فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى قَلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى) (طه / ۷۶-۸۶)

۱۵. غفلت از صفات امید آفرین در سپهر دینداری؛ مانند سامعیت اسمع و آری عالمیت تعلم ما فی نفسی قادریت علی کل شیء قدیر فتح و نصر انت خیر الفاتحین و و هو خیر الناصرین



دکتر حمید ایماندار
عضو هیئت علمی
دانشگاه شیراز

امنیت روانی

خرافه‌پرستی و اعتقاد به مفاهیم بی‌مایه، نمونه‌ی دیگری از خدشه‌دار شدن امنیت روانی است. قوه‌ی تعقل و تحلیل فردی که به خرافات روی می‌آورد، به تدریج ضعیف می‌گردد و تردید لحظه‌ای او را رها نمی‌کند. چنین فردی تمام امور را تصادفی و ناگهانی دانسته و از درک علت آن عاجز است و در نهایت آرامش خویش را از دست می‌دهد. امنیت روانی، موجب ثبات نظام فکری افراد، مصمم گشتن آن‌ها و آمادگی بیشتر جهت انجام نقش‌های اجتماعی می‌گردد. در جامعه‌ای که اندیشه‌ی اعضای آن سالم، قوی و عاری از هر گونه زنگار باشد؛ همگان در مسیر رشد و تکامل قرار می‌گیرند و به اهداف خویش دست می‌یابند.

امنیت، واژه‌ای بس حائز اهمیت و ضروری است که فقدان آن موجب اضطراب و تنش‌های فراوانی می‌گردد تا جایی که روند عادی زندگی را دچار اختلال می‌کند و از بازده مفید افراد می‌کاهد. در این میان، امنیت روانی نوع قابل توجهی از امنیت است که در آن آرامش فکری و روانی افراد در برابر عوامل استرس زا مطرح است. کسانی که شایعات و اخبار کذب را در جامعه گسترش می‌دهند، جوّ رعب، بی‌اعتمادی و بدبینی را ایجاد می‌کنند و همچنین از امنیت روانی افراد می‌کاهند.

زهرا شمشیری، دانش آموخته کارشناسی رشته حقوق دانشگاه شیراز

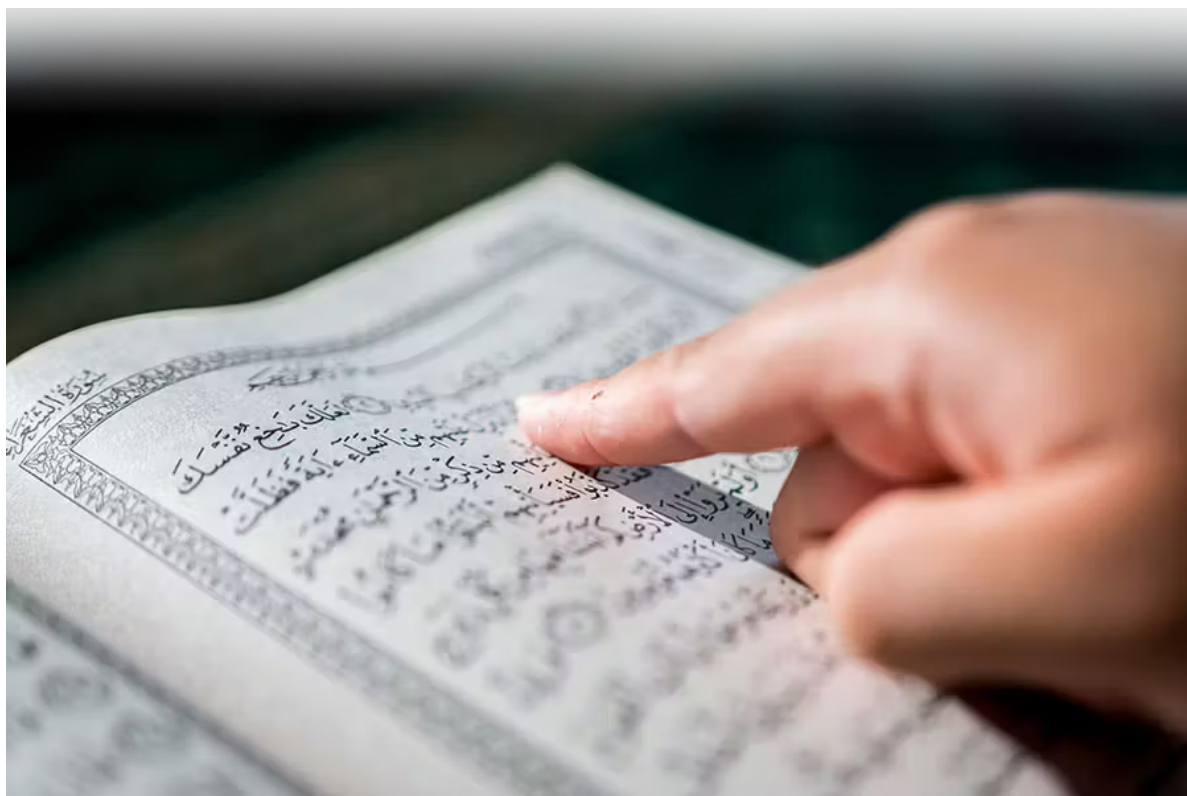


بایسته‌های اجتماع جهت اجرای امنیت بر مبنای تعالیم اسلامی

چکیده

با بررسی قرآن کریم و مجموعه منقولات در دسترس از معصومین (علیهم‌السلام) پیرامون مسائل جامعه‌شناسی می‌توان به الگویی جامع و مناسب برای افراد جامعه با مناصب اجتماعی متفاوت دست یافت. اجرای الگوی مبتنی بر تعالیم اسلامی می‌تواند بر بهبود عملکرد اعضای جامعه و بسترسازی برای اجرای امنیت باشد. پژوهش حاضر برآن است با روش توصیفی-تحلیلی و با نگاهی مدافانه در کلام خداوند متعال و معصومین (علیهم‌السلام)، به تحلیل برخی از اجزای این الگو از بعد اعتقادی و اخلاقی پردازد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که اعضای جامعه اسلامی با تقویت باورهای اعتقادی، حفظ اتحاد در جامعه، اخلاق‌مداری، رعایت ادب و احترام و مسئولیت‌پذیری می‌توانند به بهبود وضعیت جامعه و اجرای امنیت سرعت ببخشند. بنا بر کلام خداوند متعال و سخنان معصومین (علیهم‌السلام) می‌توان از جمله بهترین راهکار جهت برون رفت از افول جامعه، طرح الگویی مبتنی بر تعالیم اسلامی و نظام بخشی به رفتارهای افراد جامعه برشمرد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، تعالیم اسلامی، امنیت، اخلاق، جامعه، اعتقادی.



یکی از جمله مسائل حائز اهمیت که در مجموعه آموزه‌های اسلامی به تعدد بدان پرداخته شده است، مسائل جامعه‌شناسی و چگونگی بهبود جامعه در مسیر اسلامی است. تحلیل مسائل جامعه‌شناسی عاملی موثر در شناخت آسیب‌ها، مشکلات و راه‌برون رفت از آن‌ها است. آن‌چه بر اهمیت پرداختن به مسائل جامعه‌می‌افزاید، نقش تاثیرگذار اعضای جامعه و عملکرد آن‌ها در پیشبرد و ارتقای جامعه و ایجاد امنیت است. گاه در برخی جوامع، ضعف مدیریتی و یا خلا برخی ویژگی‌های بایسته در جامعه می‌تواند موجب تشدید برخی آسیب‌ها و پیدایش مشکلات پیچیده‌تر شود که به طور قطع، الگویی مناسب و جامع می‌تواند موجب تضعیف روند برخی آسیب‌ها از جمله فقر، رفتارهای غیراخلاقی و آسیب‌زای امنیت شود. آگاهی از سیره و منقولات معصومین (علیهم‌السلام) در برخورد با مناصب خویش می‌تواند ما را در پیشبرد جامعه اسلامی سالم و مطلوب موفق بدارد. همچنین آگاهی به مضامین و معارف قرآن و کلام معصومین (علیهم‌السلام) افزون بر نقش پیشگیرانه، عاملی مهم برای شناخت آفات و درمان آن‌ها، الگوسازی و عملی کردن رهنمون‌های ایشان نیز باشد. بدین ترتیب، سعی بر آن است که با استناد بر سخنان معصومین (علیهم‌السلام) به تحلیل و بررسی بایسته‌های اجتماع در اجرای امنیت بر پایه الگوی تعالیم اسلامی پرداخته شود. یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های انسانی، رهبران جامعه هستند که با نوع عملکرد و رویکردشان نقش مهمی در تقویت بنیاد و پیشبرد جامعه خویش ایفا می‌کنند. از این رو، رهبر جامعه و سایر اعضای جامعه با مناصب متفاوت باید در انجام مسئولیت خود اهتمام ویژه داشته باشند و اصول اخلاق و اعتقاد اسلامی را سرلوحه‌ی عملکرد خود داشته تا بتوانند بستری مناسب

جهت تحقق اهداف جامعه اسلامی فراهم کنند. درباره پیشینه این موضوع می‌توان گفت که پژوهشگران متعددی با استعانت از خداوند متعال از دیرباز به تحلیل و واکاوی مسائل مختلف در سخنان معصومین (علیهم‌السلام) به صورت کتاب، پایان نامه و مقاله پرداخته‌اند؛ لذا درباره پیشینه موضوع باید گفت پس از مراجعه به پایگاه‌های اطلاعاتی مانند: www.sid.ir و www.irandoc.ac.ir نوشتاری یافت نشد که با تحقیق حاضر هم‌پوشانی داشته باشد. قابل ذکر است که استفاده مطلوب از رهنمودهای ایشان به این معنی است که بتوان رهنمودهایشان را هماهنگ با زمانه و موقعیت‌های گوناگون استخراج و مورد استفاده‌ی کاربردی قرار داد. بدین ترتیب ضرورت دانسته شد که با واکاوی در کلام خداوند و سخنان معصومین (علیهم‌السلام) به بایسته‌های اجرای امنیت بر پایه تعالیم اسلامی پرداخته شود و به این سوال پاسخ داده شود که از منظر خداوند و معصومین (علیهم‌السلام) چه معیارهایی برای برپایی امنیت در جامعه اسلامی لازم و موثر است؟ آیا در آموزه‌های اسلامی به مسائل اخلاقی در جامعه توجه شده است؟

۱. طرح الگو مبتنی بر تعالیم اسلامی

دلیل قابلیت الگوسازی تعالیم اسلامی و فرازمانی بودن آن، تطابق تعالیم با فطرت است. معیارهای اخلاقی در دستورات اسلام منطبق با فطرت است، بنابراین می‌بایست در تمامی عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... رعایت شود (ایروانی، ۱۳۸۷، ص ۵۲۷-۵۲۸). نکته حائز اهمیت در این است که زمینه‌ی این الگوسازی، اعتماد و باور به خداوند و معصومین (علیهم‌السلام) است. در واقع، زمانی که فرد نسبت به کلام معصومین (علیهم‌السلام) اعتماد نداشته باشد، الگویی از آنان به عنوان مهم‌ترین شاخص‌های زندگی خویش طرح نخواهد کرد. باید توجه داشت که حضور معصومین (علیهم‌السلام) در بستر زمانی گذشته به معنای

منحصر کردن ایشان در گذر تاریخ نیست، بلکه فرازمانی بودن عملکرد معصومین با گذر زمان و مکان، فرسوده و غیرقابل الگوسازی نمی‌شود. الگو قرار دادن سیره‌ی قولی و عملی معصومین (علیهم‌السلام) از جمله کارآمدترین راه برون رفت از لغزش و خطا در هر عرصه‌ای است. امیرالمومنین (علیهم‌السلام) در خطبه ۱۶۰ چنین می‌فرماید: «فَتَأْسُ بِنَبِيِّكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْهَرِ صَ فَإِنَّ فِيهِ أَسْوَةٌ لِمَنْ تَأْسَى وَ عَزَاءٌ لِمَنْ تَعَزَى وَ أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْمُتَأَسِّي بِنَبِيِّهِ» (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ص ۲۲۷-۲۲۸) در واقع، بررسی آموزه‌های اسلامی مبین این اصل مهم است که تعالیم اسلامی در غنی سازی نحوه عملکرد افراد در هر عرصه و اجرای امنیت، بسیار کارآمد است. شایان ذکر است که الگوسازی مبتنی بر تعالیم اسلامی می‌تواند در جهت‌دهی به خواست‌های فرد نقش به‌سزایی داشته باشد. جهت‌دهی به انگیزه‌ها، خواست‌ها و تمایلات نقش بسیار مهمی در آرامش فرد و پیشگیری از لغزش وی دارد. از آن جا که تمامی این تعالیم مطابق با فطرت فرد است، بنابراین اجرای تعالیم در بهبود حال روانی فرد، برقراری امنیت و پیشگیری از خطا بسیار تاثیرگذار است. انسان‌ها در مسیر زندگی، انگیزه‌هایی دارند که در جهت تحقق آن تلاش می‌کنند، حال زمانی که فردی در مواجهه با موقعیتی، انگیزه و اهداف خود را موافق با انتظارش ببیند، حس رضایت مندی در او پدید می‌آید. در واقع، این انطباق انتظار با انگیزه‌ی تحقق یافته برای شخص حس رضایت و خشنودی را به همراه دارد (پسندیده، ۱۳۹۵، ص ۴۲). اگر این حس آرامش برخاسته از اجرای تعالیم اسلامی باشد، به طور قطع آرامشی پایدار خواهد بود. بنابراین می‌توان گفت که راه برون رفت از لغزش‌ها و یا پیشگیری از آن، اصلاح خواسته‌ها و تمایلات فرد است. این محرک درونی آن چنان از منظر کلام خداوند و معصومین (علیهم‌السلام) حائز

اهمیت است که افراد با انگیزه‌های مشترک را شریک در عمل و جزای عمل برمی‌شمرد. کلام حضرت علی (علیه‌السلام) در خطبه ۲۰۱ نهج‌البلاغه به خوبی بیانگر نقش مهم انگیزه و تاثیرگذاری آن در جزای عمل است: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا يَجْمَعُ النَّاسَ الرَّضَا وَ الشُّخْطُ وَ إِنَّمَا عَقَرَ نَاقَهُ ثُمَّودَ رَجُلٌ وَاحِدٌ فَعَمَّهُمُ اللَّهُ بِالْعَذَابِ لَمَّا عَمَّوهُ بِالرِّضَا» (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ص ۳۱۹) با توجه به کلام حضرت، می‌توان چنین نتیجه گرفت که اگرچه در جریان ناقه حضرت صالح (علیه‌السلام)، مجری قتل در ظاهر امر فقط یک نفر بوده است اما افراد دیگر نیز به جهت هم‌رأیی و انگیزه‌ی مثبت نسبت به انجام این امر در جزای عمل فرد قاتل شریک شدند (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۳۹۶؛ طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۶۰). این مهم بیانگر این است که تعالیم اسلامی حتی در انگیزه‌ها و نیت‌های افراد باید الگو باشد تا بدین ترتیب، تمایل و خواست‌های فرد در هدف ارتقای ارزشی جامعه و عملکرد دیگران اصلاح شود.

۱-۱. تقویت باورهای اعتقادی در جامعه

عقیده توحیدی، نخستین و موثرترین رکن اعتقادی هر فرد است. ایمان و عقیده توحیدی، ریشه سستی، پوچی و ناامنی را می‌سوزاند و تلاش در جهت اعتلای جامعه به ارمغان می‌آورد. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از آغاز، دعوت خود را با یگانه‌پرستی و شعار توحیدی «لا اله الا الله» بنا کرد. این مهم همان عهدی است که حضرت مهدی (عج) آن را عامل موثر در تاخیر نداشتن ظهور تبیین می‌کند: «وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَ فُقَهَهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتَهُ، عَلَي اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ، لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا» (یزدی حایری، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۴۱۲). ممکن است فرد مومن و خدامحور در برابر مشکلات و فتنه‌های زیادی قرار گیرد که گاه به تناسب با حرفه‌ی خود با فتنه‌ها و امتحان‌هایی

أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (۱۶۵/ بقره) از آن‌ها یاد می‌کند.

۱-۱-۱. حفظ اتحاد در جامعه اسلامی

نخستین ماموریت‌های پیامبر اکرم (ﷺ)، ایجاد وحدت دینی و پیوند مواخات میان مسلمان اعم از زن و مرد بود که این مهم در ویران‌سازی مسجد ضرار بنا بر آیه ۱۰۷ سوره توبه آشکار است. همچنین حضرت رسول (ﷺ) در اهمیت وحدت دینی فرمود: «مَنْ فَارَقَ جَمَاعَةَ الْمُسْلِمِينَ قِيدَ شِبْرٍ فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۰۵) که ایشان ایجاد تفرقه در میان مسلمانان را عامل از بین رفتن ایمان فرد معرفی می‌فرماید. خداوند متعال در قرآن کریم، مسلمانان را به تفکر در وضع اندوه بار گذشته و مقایسه آن پراکندگی با این وحدت دعوت می‌کند: «اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» (آل عمران/ ۱۰۳) «و نعمت خدا را بر خود یاد کنید: آن گاه که دشمنان [یکدیگر] بودید، پس میان دلهای شما الفت انداخت، تا



همچون ثروت، شهرت، مقام، علم، فیلم، بدحجابی و ... باشد، اما برخورد و واکنش فرد مومن به جهت ایمان راسخش به گونه‌ای است که نوع فتنه برای وی نقشی ندارد (فیض پور، ۱۳۹۰، ص ۱۵۴). و این نشان از رسوخ محبت خدا در دل چنین افرادی است که مانع نفوذ لغزش‌ها و انحرافات می‌شود که قرآن کریم با تعبیر «الَّذِينَ آمَنُوا

به لطف او برادران هم شدید» و به این طریق اهمیت موهبت اتفاق و برادری را گوش زد می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۲۰-۲۱) همچنین این امر از منظر حضرت رسول (ﷺ) و اهمیت آن مورد توجه قرار گرفته است: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَ تَرَاحُطِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِذَا اشْتَكَى بَعْضُهُ تَدَاعَى سَائِرُهُ بِالسَّهْرِ» (ابوالفتوح رازی، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۴۵۰) در این روایت، پیوند دوستی مومنان با یکدیگر به اعضای یک پیکر تشبیه شدند که در صورت آسیب یکی از اعضا، بقیه اعضا نیز مختل می‌شوند. پیامبر اکرم (ﷺ) در جهت تحقق همبستگی و وحدت توانست با بارور کردن فطرت فضیلت‌خواه از جامعه‌ای انحصار طلب و ناامن، جامعه‌ای ایثارگر و امن بسازد؛ همانطور که خداوند متعال در آیه ۹ سوره حشر به ویژگی ایثار انصار اشاره کرده است: «يُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۲۹، ص ۵۲۶) همچنین در سوره آل عمران، پس از دعوت به تقوا به اتحاد و مبارزه با هر گونه تفرقه اشاره شده است: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/ ۱۰۳) و بدین طریق ضرورت اتحاد پس از طرح مسئله تقوا به خوبی مشهود است. در واقع، دعوت به اتحاد بدون مساعدت گرفتن از ریشه اخلاقی و تقوا کم اثر یا بی اثر است. از این رو، در این آیات اشاره به این نکته است که عوامل ایجاد کننده اختلاف در پرتو ایمان و تقوی ضعیف می‌گردد و اتحاد موجب حفظ انسان از هلاکت و حفظ در برابر شیاطین انس و جن می‌شود.

۱-۱-۲. قانون مداری و عدالت محوری

از ویژگی‌های مهم یک جامعه‌ی شایسته، «قانون مداری و عدالت محوری» است. رسول خدا (ﷺ) اطاعت از قانون الهی را در جامعه اسلامی واجب و لازم می‌دانست و با افرادی که از قانون و شریعت اسلامی سرپیچی می‌کردند، برخورد



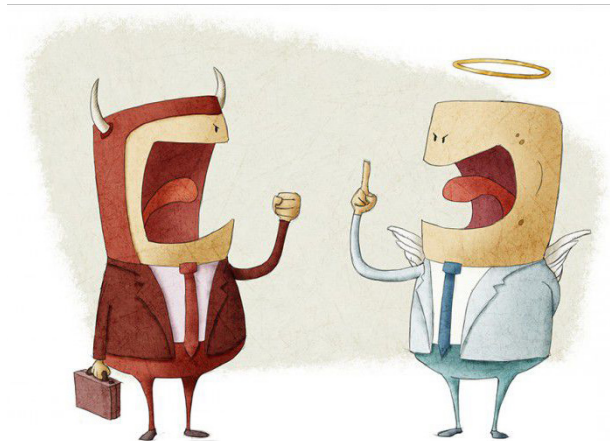
همه ارزش‌های زندگی را به نیستی خواهد کشاند. اجرای عدالت در افزایش انسجام اجتماعی، امنیت و اصلاح امور جامعه نقش به‌سزایی دارد. حضرت امیرالمومنین (ع) در مقام خلافت با صلابت و تأکید می‌فرماید: «... وَأَيُّمُ اللَّهِ لَأَنْصَحَنَّ لِلْخَصْمِ وَ لَأَنْصِفَنَّ لِلْمَظْلُومِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۲، ص ۳۳) حضرت در این عبارت برای گرفتن حق مظلوم به خداوند متعال سوگند می‌خورد. اصلی‌ترین کار حکومت علوی اقامه عدالت- در همه ابعاد آن- و ستیز با ستم بود؛ حضرت علی (ع) در هنگام عزیمت به جنگ جمل، در محلی به نام «ذی قار» نشسته و کفش خود را وصله می‌زد، در مورد قیمتش از ابن عباس سوال فرمود. و ابن عباس از بی‌ارزشی کفش پاسخ داد. آن‌گاه حضرت فرمود: «وَاللَّهِ لَهِيَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَمْرَتِكُمْ إِلَّا أَنْ أَقِيمَ حَقًّا أَوْ أَدْفَعُ بَاطِلًا» (هاشمی خوئی، ۱۴۰۰، ج ۴، ص ۶۰) به خدا سوگند، این کفش بی‌ارزش، از حکومت بر شما نزد من باارزش‌تر است، مگر اینکه حقی را بر پای دارم، یا باطلی را باز دارم. در واقع، حضرت علی (ع) تنها هدف پذیرش حکومت را «احقاق حق» و «ابطال باطل» اعلام کرد. افراد جامعه نیز در این باره مسؤولیتی خطیر دارند و موظفند به شکل انفرادی یا دسته جمعی در برابر ظالمان بایستند و به مظلومان یاری رسانند. رسول گرامی اسلام (ص) یارانش را فرمان داده بود که ستم‌دیده را یاری نمایند. (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۲۶۰). امام سجاد (ع) یکی از حقوق برادری را یاری کردن ستم‌دیده برشمرد، ضمن اینکه در «رساله الحقوق» دین مهم توجه کرده و مومنان را یاری رساننده یکدیگر دانسته است: «واما اخیک لاتدع نصرته علی نفسه ومعونته علی عدوه» (جمعی از راویان، ۱۴۲۵، ص ۹)

۱-۲. تقویت اخلاق مداری در جامعه اسلامی

از آن‌جا که زبان مشترک انسان‌ها فطرت

می‌کرد. مدیریت رسول خدا (ص) نیز بر اصل برپایی حق و عدل استوار بود و کارگزاران خود را بدان فرمان می‌داد. حضرت علی (ع) در توصیف سیره حضرت رسول اکرم (ص) فرمود: «سِيرَتُهُ الْقُصْدُ وَ سُنَّتُهُ الرَّشْدُ وَ كَلَامُهُ الْفُضْلُ وَ حُكْمُهُ الْعَدْلُ» (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ص ۱۳۹) راه و رسم او معتدل و روش او صحیح و متین و سخنانش روشن‌گر از باطل و حکمتش عادلانه بود. با مراجعه به قرآن کریم، برقراری عدالت اجتماعی یکی از اساسی‌ترین اهداف مشترک همه پیامبران است که با صراحت ماموریت و رسالت انبیاء را برقراری عدالت در میان بشر بیان می‌کردند. عدالت اجتماعی از عمده‌ترین مسائل اجتماعی است که در ساختار جوامع اسلامی و برقراری امنیت نقش اساسی دارد (بیگی، ۱۳۸۹، ص ۵۷۶). در زیارت امام حسین (ع) نیز آمده است: «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ» (ابن طاووس، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۶۳). ماهیت عدالت خواهی در قیام عاشورا و ظلم ستیزی امام حسین (ع)، سرمایه الهام ملت ما در قیام بر ضد طاغوت بود، چنان‌که امام خمینی (ره) بر این ماهیت تصریح کرد: «سید الشهداء (ع) از همان روز اول که قیام کردند برای این امر، انگیزه شان اقامه عدل بود» (سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸، ج ۲۰، ص ۱۸۹). ظلم و بیداد آتش سوزانی است که اگر مهار نگردد، همه چیز را در کام خود فرو می‌برد و

انسانی، با ادب و احترام رفتار می کرد: «وَ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئاً هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيداً بَيْنِي وَ بَيْنِكُمْ وَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (احقاف / ۷-۸) پیامبر اکرم (ﷺ) در این آیه در برابر افترا مشرکان، هیچ برخورد تند و ناسزایی را انجام نداد، بلکه با ادب



است، معیارهای اخلاقی منطبق با فطرت نیز مشترک است و به هنگام تعاملات و معاشرت‌ها باید رعایت شود (ایروانی، ۱۳۸۷، ص ۵۲۷-۵۲۸). بنا بر آیه قرآن، ریشه همه بدی‌ها، رفتارهای نامناسب و خود خواهانه انسان‌ها است: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» (روم / ۴۱) متأسفانه تا زمانی که مردم، جامعه را عرصه مجادله و جایگاه قدرت نمایی‌های خشن و بی‌منطق بدانند، جایی برای احساس امنیت، ترویج افکار و رفتارهای مطلوب نخواهد بود و در جامعه فاقد اخلاق حتی تجهیز افراد به علم و دانش جز به پیچیده‌تر کردن مشکلات نتیجه‌ای نخواهد داشت (علیخانی، ۱۳۸۶، ص ۳۶۴). اصلاح اخلاق و تحصیل ملکات پسندیده و پاک کردن دل از خوی‌های زشت، راهی جز تکرار عمل صالح و مداومت بر آن ندارد. هر چند به دست آوردن یک ملکه در اختیار آدمی نیست، ولی مقدمات تحصیل آن در اختیار فرد است و می‌توان با انجام آن مقدمات، ملکه را تحصیل کرد (نیلی پور، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۴۷-۴۸).

۱-۲-۱. رعایت احترام و ادب به اعضای جامعه

یکی از ویژگی‌های جامعه موفق و امن، در احترام گذاشتن به شخصیت و آراء دیگران و نقد منصفانه آراء مخالف است. خداوند متعال در



دستور به حضرت موسی برای دعوت فرعون به یکتاپرستی می‌فرماید: «ادْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقَوْلًا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا» (طه / ۴۳-۴۴) «به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته و با او سخنی نرم گویند». این بیانگر ادب و احترام انبیاء در دعوت اقوام بت پرست است که علیرغم بدزبانی فرعونیان و حاکمان بی‌ایمان، رعایت ادب و احترام را محور دعوت خود می‌دانستند. در نتیجه آن چه بیش از هر چیز دیگر در برخورد با افراد جامعه تاثیر عمیق و عملی دارد، ادب و رعایت موازین اسلامی و اخلاقی برخاسته از قرآن و سنت است. پیامبر (ﷺ) بر اساس اصل «حفظ کرامت انسان» به آراء و نظریات دیگران احترام می‌گذاشت و از استبداد رأی به شدت پرهیز می‌نمود. منشاء این التزام به حفظ حرمت انسان‌ها را باید در قرآن جست؛ ایشان در مواجهه با کافران و مشرکان به لحاظ حرمت

و رعایت احترام پاسخ و دلیل بر آن‌ها ذکر کرد. بنابراین، پیشرفت اسلام در آغاز کار تنها به واسطه جذابیت، ادب و منطق بود. اگر بحث و مناظره‌ای بر اساس منطق، حکمت، موعظه و اقناع مخاطب از طریف ادب نباشد و برعکس با تهدید، خشونت، اجبار و بی‌احترامی همراه باشد، مردم را به کینه و دشمنی واداشته و به انحرافات متمایل می‌سازد. قرآن کریم شیوه تبلیغ اسلام را همراه با حکمت و موعظه اعلام می‌دارد: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل/ ۱۲۵) و همچنین خداوند در سوره عنکبوت، نحوه برخورد با اهل کتاب را چنین تبیین می‌کند: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ» (عنکبوت/ ۴۶) و همراهی کلام و رفتار پیامبر اکرم (ﷺ) با ادب و احترام، همان علت اصلی در گسترش اسلام بوده است (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۲۳۴)

۱-۲-۲. رفع شکاف میان دانسته‌ها و عملکرد فرد

تطابق دانسته‌ها با عملکرد فرد یکی از نشانه‌های سلامت شخصیت اجتماعی فرد و جامعه سالم است. قرآن کریم سخن گفتن بدون عمل را مورد نکوهش و مذمت قرار داده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف/ ۲) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید؟» مرحوم علامه طباطبائی، خطاب آیه مذکور را مومنانی می‌داند که به جهت قول بدون عمل، خداوند آن‌ها را توبیخ می‌کند (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۲۴۸). افزون بر آن، خداوند در سوره جمعه افراد با چنین ویژگی را به حیوان الاغ تشبیه می‌کند: «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْإِیمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا» (جمعه/ ۵) بدین معنی که عالم بدون عمل همچون الاغی است که از بار و

حمل خود هیچ آگاهی نداشته و بهره‌ای نمی‌برد. بنابراین از جمله مسائل مهمی که هر عضوی از جامعه باید بدان توجه داشته باشد، کاربست معارف و داده‌های علمی خود در زندگی و جامعه است. حضرت علی (ع) بدین مهم توجه داشته و صاحبان علم را بر همین مبنا به دو دسته تقسیم می‌فرماید: «الْعُلَمَاءُ رَجُلَانِ رَجُلٌ عَالِمٌ أَخَذَ بِلَعْمِهِ فَهَذَا نَاجٍ وَعَالِمٌ تَارَكَ لِعِلْمِهِ فَهَذَا هَالِكٌ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۴) همچنین روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است که در پاسخ به مفضل بن عمر چنین می‌فرماید: «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ۷ فَسَأَلَهُ عَنْ مَسَائِلَ فَأَجَابَ ثُمَّ عَادَ لِيَسْأَلَ مِثْلَهَا فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع مَكْتُوبٌ فِي الْإِنْجِيلِ لَا تَطْلُبُوا عِلْمَ مَا لَا تَعْلَمُونَ وَ لَمَّا تَعْمَلُوا بِمَا عَلَّمْتُمْ فَإِنَّ الْعِلْمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلِ بِهِ لَمْ يَزِدْ صَاحِبَهُ إِلَّا كَفْرًا وَ لَمْ يَزِدْ مِنْ اللَّهِ إِلَّا بُعْدًا» (شهید ثانی، ۱۴۰۹، ص ۱۴۶) که اگر علم مورد عمل قرار نگیرد، موجب کفر زایی صاحب علم می‌شود. شایان توجه است که امام علی (ع)

قرین شدن علم و عمل را چنین توصیف می‌فرماید: «الْعِلْمُ مَقْرُونٌ بِالْعَمَلِ فَمَنْ عَلِمَ عَمِلَ وَ الْعِلْمُ يَهْتَفُ بِالْعَمَلِ فَإِنْ [أَجَابَ] أَجَابَهُ وَ إِلَّا ارْتَحَلَ عَنْهُ» (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ص ۵۳۹) مقصود امام (ع) آن است که علم در وضعی که مطابق با حکمت الهی باشد، با عمل قرین می‌شود و وقتی علم با عمل توأم شود، آن چنان نیرومند می‌شود که گویی از عالم ذهن به عالم حس وارد شده و به صورت فعل و عمل جلوه می‌کند (ابن میثم، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۷۱۲).



از کوزه همان برون تراود که در اوست

۱-۲-۳. اهمیت مسئولیت پذیری افراد جامعه

وظایف اجتماعی همچون اتصالات بخش‌های مختلف یک کارخانه است که افراد اجتماع را به هم پیوند داده و روابط اجتماعی موثرتری را برقرار می‌سازد. به هر میزانی که پیمان‌های اجتماعی محکم و افراد اجتماع به عهد و پیمان خویش وفادار باشند، جامعه در امنیت بیشتری به سر می‌برد (بیگی، ۱۳۸۹، ص ۵۲). خداوند متعال در آیاتی از سوره معارج به عاقبت نیک افراد وفادار و مسئولیت پذیر می‌پردازد: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ * وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ * وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ * أُولَٰئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ» (معارج/ ۳۲-۳۵) «و کسانی که امانت‌ها و پیمان خود را مراعات می‌کنند و آنان که بر شهادت‌های خود ایستاده‌اند و کسانی که بر نمازشان مداومت می‌ورزند، آن‌ها هستند که در باغ‌هایی [از بهشت]، گرمی خواهند بود».

امیرالمومنین (علیه السلام)، اصل و بنیاد دین‌داری را به جا آوردن امانت و پایبندی به تعهدات می‌داند: «أَصْلُ الدِّينِ أَدَاءُ الْأَمَانَةِ وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۸۶) همچنین این اصل را معیار سنجش انسان معرفی می‌کند: «إِنَّ الْعَهْدَ قَلَائِدُ فِي الْأَعْنَاقِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَمَنْ وَصَلَهَا وَصَلَهُ اللَّهُ وَ مَنْ نَقَضَهَا خَذَلَهُ اللَّهُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۲۴۴) همانا عهد و پیمان‌ها گردن بندهایی هستند که تا روز قیامت بر گردن افراد است، کسی که پیوند آن‌ها را نگه دارد (وفای به عهد کند) خداوند او را به مقصود می‌رساند و کسی که آن عهدها را بشکند خداوند او را به خودش وا می‌گذارد. (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۶۱۶) بنابراین یکی از اسباب اصلی در بقای جوامع و حفظ امنیت، از طریق عدم رعایت امانت‌داری و سست شدن در پایبندی به تعهدات از بین می‌رود. انسان‌ها نیز در طول زندگی اجتماعی خود به تجربه دریافته‌اند که هیچ چیز برای بقای سلامت و بقای جامعه به اندازه‌ی پایبندی به تعهدات اهمیت ندارد.

بنابراین هر فرد در جامعه باید به تمامی مسائل اجتماعی آگاه و خود را مسئول بر حل مشکلات مردم بداند و نسبت به مسئولیت خود پایبند و وفادار باشد؛ زیرا که سلامت، امنیت و رشد زندگی اجتماعی در گرو پایبند بودن به عهد و وظایف است و افراد نسبت به مسائل مرتبط با وظیفه‌ی خود آگاه و مسئول باشند.

شایان توجه است که بررسی تاریخ زندگی پیامبر اسلام از نظر زمان‌شناسی و آشنایی آن حضرت با مقتضیات زمان خود، نشانه بارز یک رهبر زمان آگاه است. همچنین برخورد صحیح امام علی (علیه السلام) در ماجرای سقیفه، نشان‌دهنده تصمیم‌گیری یک رهبر زمان آگاه در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ اسلام است و همه اوصیای پیامبر اسلام از ویژگی



زمان آگاهی داشتند و به طور قطع، هر روش اعم از سکوت، فریاد، صلح و جنگ آنان به مقتضای شرایط حاکم بر آن زمان بوده است (محمدی ری شهری، ۱۳۷۶، ص ۲۳۸-۲۳۹). امام خمینی (ره) افزون بر آگاهی از آرمان‌های اسلام، تاریخ اسلام و درک مصالح



و درر الکلم، محقق جمال الدین حسینی ارموی محدث، تهران: دانشگاه تهران.

(۵) ایروانی، جواد (۱۳۸۷)، فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه های اسلامی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

(۶) بیگی، روح الله (۱۳۸۹)، ارزشهای اجتماعی در قرآن، قم: انتشارات اسوه.

(۷) پسندیده، عباس (۱۳۹۵)، مجله پژوهش نامه روانشناسی اسلامی، «پایه نظری رضامندی بر اساس منابع اسلامی: بازنگری و بسط نظریه پیشین»، دوره ۲، شماره ۳، ص ۴۰-۷۷.

(۸) تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰)، غرر الحکم و درر الکلم، محقق سید مهدی رجائی، چاپ دوم، قم، دارالکتب الاسلامی.

(۹) جمعی از روایان (۱۴۲۵)، رساله الحقوق للامام زین العابدین علیه السلام، قم: انصاریان.

(۱۰) جوان مهر، حسین (۱۳۸۳)، رفتار شناسی پیامبر (ﷺ) با مردم، رشت: انتشارات کتاب مبین.

(۱۱) شریف الرضی، محمد بن علی (۱۴۱۴)، نهج البلاغه، محقق صبحی صالح، قم: هجرت.

(۱۲) شهید ثانی، زین الدین بن علی، منیه المرید (۱۳۵۹)، محقق رضا مختاری، چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

(۱۳) سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی (۱۳۶۸)، صحیفه نور.

(۱۴) طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.

(۱۵) طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

(۱۶) علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۶)، سیاست نبوی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ اول.

(۱۷) فیض پور، محسن (۱۳۹۰)، گناه و سبب آن، قم: دارالعرفان.

(۱۸) کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الاصول من الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.

(۱۹) مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)، بحارالانوار الجامعه لدرر الاخبار الاثمه الاطهار علیهم السلام، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

(۲۰) محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۶)، رهبری در اسلام، قم: دارالحدیث.

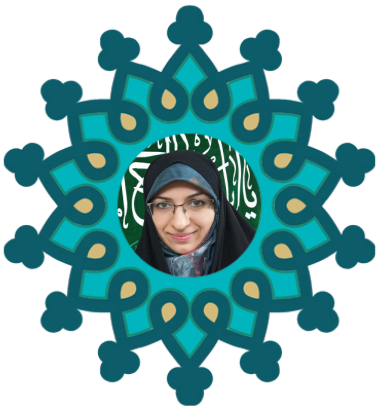
(۲۱) مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۶)، انقلاب اسلامی و ریشه های آن، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

(۲۲) مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، سیری در سیره نبوی، تهران: صدرا.

(۲۳) مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۳)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

(۲۴) هاشمی خوئی، میرزا حبیب الله (۱۴۰۰)، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، مترجمان حسن حسن زاده آملی و محمد باقر کمرهای، تهران، مکتبه الاسلامیه.

(۲۵) یزدی حایری، علی (۱۴۲۲)، إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب عجل الله تعالی فرجه الشریف، محقق علی عاشور، بیروت: موسسه الاعلمی.



سیده محبوبه کشفی

دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث
دانشگاه شیراز

آمارهایی از دیگر بخش‌های شبکه مجازی به دست آید، ترسناک‌تر از آمار فوق خواهد بود! می‌توان و باید پرسید چگونه غرب و تمدن مدرن که امر متحقق شده و به تبع آن درگیر ملال است، جهانی که دیگر شاهد ظهور هنر گوتته، موتزارت، باخ و غیره نیست. غربی که از عمر آخرین فیلسوف درجه اولش ساله‌است که می‌گذرد، تمدنی که چنان محبوس و ملول تبیین‌های علمی و فیزیکی است که گیشه‌های سینمایش را فیلم‌های اکشن ابرقهرمانانه به تسخیر در آورده است، هنوز هم اهل فکر و اندیشه‌اش نسبت به رابطه‌ی انسان غربی با تکنیک جدید و لوازمش، موضع دارند، کتاب می‌نویسند، سخن دارند و به دنبال عبور از بحران ناشی از آن هستند.» مقاله و کتاب نویسی‌ای که صرفاً و تنها برای رسیدن به آمارهای کمی و پرکردن آرشیوهای بایگانی دانشگاه‌ها نیست» به نظر می‌رسد که بیان فوق در جهان ما دارای تفاوت است؛ اینترنت، شبکه‌ی مجازی، سینما (حتی سینمای داخل و وضع اسفناکش) و دیگر ظهورات علم مدرن برای اوضاع تاریخی ما و جهانمان تا مغز استخوان بحران‌زا، تنش‌آفرین و عاملی جدی در از هم گسیختگی روان افراد و سرمایه‌های اجتماعی بوده است!

اگر از داده‌های اجتماعی و بحث‌های جامعه‌شناختی عبور کنیم، به نظر می‌رسد تفاوت‌ها که از قضا بسیار قابل اعتنا نیز هستند، ریشه در فرهنگ جامعه و جهان غربی با ما دارند، لازم است که نگاهی کارشناسانه و به دور از تعصب به مآثرهای فکری هر یک داشت. غرب دوران گذار از الهیات قرن شانزدهم به متافیزیک قرن هفدهم (که نه تنها از لحاظ متافیزیکی، بلکه به لحاظ علمی نیز بزرگترین عصر اروپا یعنی عصر قهرمانانه عقل‌گرایی غربی است) را در تاریخ خود سپری و اینک آن را پیش روی خود می‌بیند، این دوران تفکر نظام

هنگام خواندن نامه‌ی فردی عامی و بی‌سواد مهم تلقی می‌شود. و چه بحران‌هایی که بشر جدید با گسترش ساحات و تجلیات مختلف علم جدید بدان مواجه است، که در مورد اخیر نیز نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت.

می‌توان در نظر آورد وقتی یک بازی کامپیوتری نه چندان پرطرفدار، اما اعتیاد آور در مجموع زمانی بالغ بر ۷۲۱۶۵ سال از وقت کابرنش را از زمان عرضه تا کنون گرفته است، مشخصاً با امری جدی مواجه‌ایم و به نظر می‌رسد اگر



نمی‌گذارد، با این حساب غیر عادی نیست که بعد از او اندیشمندان غربی، به وسع خود راهش را ادامه دهند.

بحران هرکجا باشد، متفکر در پی شناخت و علاج آن است، چه بحرانی که برای هیدگر

مند علمی، سوارز و بیکن، گالیله، کپلر، دکارت، گروسیوس، هابز، اسپینوزا، پاسکال، لایب نیتس و نیوتون را در برمی گیرد.

تمام بصیرت‌های حیرت‌انگیز ریاضیاتی، ستاره‌شناسانه و علمی این عصر، درون نوعی نظام بزرگ متافیزیکی یا طبیعی قرار گرفتند؛ تمام متفکران این عصر متافزیکدان‌هایی در مقیاسی عظیم بودند، و حتی خرافه رایجی که در هیئت علم نجوم ظاهر می‌شد نیز کیهانی و عقلانی بود.

به عبارت دیگر، دانشمندان عصر شکوفایی علم همواره به نسبت علم و متافزیک واقف بوده و آن را در آثار و حیات علمی خود لحاظ می‌کردند؛ برای نمونه می‌توان به مکاتبات و ابحاث علمی، کلامی و فلسفی لایب نیتس و شاگرد نیوتون اشاره کرد که نشان دهنده وجود علی‌الردم این رابطه است.



این رابطه و تناسب دیری نپایید که قدم در راه جدایی برداشت. علم جدید بعد از نیوتون در سرایشی جدی فاصله‌گیری از فلسفه قرار گرفت و فلسفه این پرونده و مادر پیر کم کم توسط خلف خود واپس رانده شد. این جدایی، آثار مخربی در جهان غربی به جا گذاشت؛ ظهور مکاتب علم‌گرا و پوزتویسم منطقی و مشاهده بسط و فراگیری گفتمان آن بار گرانی

بر اهل فلسفه‌ی قاره‌ای بود و بیم در سایه قرار گرفتن بیش از پیش فلسفه و اضمحلال کامل آن اندیشمندان بزرگی از غرب مثل هوسرل و هیدگر را بر آن داشت که بخش قابل توجه‌ای از حیات علمی خود را اختصاص به گزارش و روایت بحران حاصله از عدم نسبت علم و فلسفه دهند.

هوسرل می‌گفت: «علت بحران غرب، انحطاط مذهب اصالت عقل است که ناشی از غلبه‌ی مذهب اصالت طبیعت و اصالت متعلق ادارک بر آن است. این بحران فقط به دو طریق ممکن است خاتمه یابد؛ یک راه این است که غرب که از اصل عقل و خرمندی خود دور افتاده و روحش در ورطه‌ی کینه توزیهای وحشیانه سقوط کرده است، نابود شود. و امکان دیگر این است که اروپا دوباره از روح فلسفه سر برآورد، که لازمه و شرط آن شجاعت عقلی برای غلبه بر طبیعت انگاری است.

در چنین شرایطی که بیان‌ش گذشت، ما با فرهنگ و تاریخ خود مواجهیم که به نحوی شرایط تاریخی و اقتضای ذاتی برقراری نسبت فلسفه با علم محیا نبوده است و از ابتدا دستگاه فکری متافزیکیمان با ظهور انقلاب علمی و تجدد به نحوی لاقضاً بودن را همراه خود داشته و جهان‌ش صرفاً پذیرای اجباری لوازم علم جدید بوده است، در این صورت اوضاع و نحوه مواجهه‌ی مردمان این جهان به طریق اولی بحرانی و زشت تر نمود پیدا خواهد کرد.

آسیب‌شناسی فرهنگ فکری خود و این شکاف عظیم متافزیک و علم که از ابتدا وجود داشته و امتداد نیز پیدا کرده است. درحالی زیست جهانمان به تمامه در لوازم تکنیک جدید فرو رفته و بدان نیاز مند است، می‌تواند و باید دغدغه‌ی اصلی اهل فلسفه به عنوان سواران سپیده دم تفکر قرار گیرد، که اگر این مهم بیش از پیش مورد غفلت قرار گیرد ضربه‌های جبران‌ناپذیر و سهمناکی به ساحات زندگی‌مان



وارد خواهد شد و سرانجامی جز تاریکی محض در
بر نخواهد داشت!

فهرست منابع

- ۱) هوسرل، ادموند، هایدگر، مارتین، یاسپرس، کارل، مک کواری، جان (۱۳۸۹)، فلسفه و بحران غرب، مترجمان رضا داوری اردکانی، محمدرضا جوزی، پرویز ضیاء شهابی، چاپ سوم، تهران، هرمس.
- ۲) اشمیت، کارل (۱۴۰۰)، مفهوم امر سیاسی، یاشار جیرانی، چاپ چهارم، تهران، ققنوس.



امیدرضا انصاری جابری
دانشجوی کارشناسی ارشد
رشته فلسفه و کلام اسلامی
دانشگاه شیراز



امنیت ملی

و تأثیر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در تضمین آن

چکیده

مفهوم امنیت، مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است و در مورد افراد به معنی آن است که نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود بیم و هراسی نداشته باشند، به هیچ وجه حقوق آنان به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را تهدید ننماید. لزوم و ضرورت امنیت - به این مفهوم - در جامعه از طبیعت حقوق بشری ناشی می‌شود و لازمه حقوق و آزادی‌های مشروع، مصونیت آن‌ها از تعرض و دور ماندن از مخاطرات و تعدیات است. برخورداری از امنیت، نیاز ضروری انسان است و از همین‌رو حکومت‌ها از گذشته به تنظیم راهبردهای متنوعی در جهت تأمین این نیاز بنیادین انسان اتخاذ کرده‌اند.

واژگان کلیدی: امنیت ملی، منافع ملی، اهداف ملی، تهدیدها، استراتژی ملی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.



مقدمه

قرآن، امنیت را یکی از اهداف استقرار حاکمیت الله و استخلاف صالحان و طرح امامت می‌شمارد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» (نور/ ۵۵) بنابراین، به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین قرار دهد، همانگونه که کسانی که پیش از آنان بودند جانشین قرار داد و آن دینی که برایشان پسندیده است، به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند تا مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند. در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به دنبال طی دورانی از تمرکز نداشتن نهادهای امنیتی، سرانجام در جریان بازنگری قانون اساسی، شورایی به عنوان شورای عالی امنیت ملی پیش بینی شد که ساختار آن در اصل ۱۷۶ قانون اساسی گنجانده شده است. آرنولد ولفرز بر این عقیده است که امنیت یک ارزش است و در مفهوم عینی، امنیت، فقدان تهدیدها در برابر ارزش‌های معین و در معنای ذهنی، نبود ترس از حمله علیه همین ارزش‌هاست.

امنیت ملی

این واژه در قرن بیستم و به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم متداول شده است. در ساده‌ترین تعاریف، امنیت ملی به معنای، توانایی یک ملت برای حفاظت از ارزش‌های حیاتی داخلی در مقابل تهدیدات خارجی است و همچنین، کشورها چگونه سیاست‌ها و تصمیمات لازم را برای حمایت از ارزش‌های داخلی در

مقابل تهدیدات خارجی، اتخاذ می‌کنند. محمد ایوب معتقد است که مفهوم سنتی امنیت ملی، کاربرد خود را از دست داده است. وی بر عوامل داخلی امنیت، عنایت خاصی داشته و بر تفاوت معضلات و نگرش امنیتی کشورهای شمال و جنوب تاکید می‌کند و معتقد است که تفسیر شمالی‌ها از امنیت به نحوی است که ناامنی جنوبی‌ها از آن متبادر می‌شود و برعکس. در دیدگاه اسلامی، می‌بایست امنیت ملی را در سایه اقتدار، استقلال، دانایی و توانایی، ارتباطات قوی و سازنده امت اسلامی در کلیه ابعاد و زوایا و ایستادگی در برابر یورش، توطئه، تهدید دشمن و بیگانگان و بیگانه پرستان و نفوذ ایدئولوژی شیطانی آنان پیگیری کرد. امروزه هیچ کشوری در تامین امنیت ملی، تنها به مقابله با تهدیدات نظامی بسنده نمی‌کند، بلکه انواع تهدیدات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، روانی، رسانه‌ای و... را در نظر می‌گیرد.

منافع ملی و رابطه آن با امنیت ملی

منافع ملی، اهداف عام و همیشگی است که ملت در راه تحقق آنها فعالیت می‌کند. هر جامعه باید به مثابه یک کل دارای مسئولیت و هنجارهای مشترک برای تمامی شهروندانش در نظر گرفته شود. منافع جامعه همان خیر مشترکی است که از طریق ارزیابی بهره مندی اجتماع در رهگذر برنامه، تحقق بهترین زندگی مشترک ممکن برای افراد تعیین می‌شود. منافع ملی، پدیده‌ها و اموری را در برمی‌گیرد که تحقق آنها معطوف به پیشینه سازی امنیت همه جانبه ملت و دولت می‌باشد. در واقع، هرچه بیشتر بتوان منافع ملی یک کشور را وسیع تر ساخت و مصداق آن را در نظام بین الملل گسترش بخشید، به همان میزان به صورت بالقوه می‌توان نسبت به بهره‌مندی از محیط و امکانات موجود امیدوار بود.

اهداف ملی و امنیت ملی

اهداف ملی تصویر آینده و در واقع (مطلوب) نهایی یک جامعه را دربرمی‌گیرد. مهم‌ترین عوامل دگرگون‌کننده اولویت‌ها و سلسله مراتب اهداف ملی عبارتند از کشمکش‌های داخلی میان نخبگان سیاسی، سیاست افزایش قدرت مانور دولت‌ها در عرصه بین‌الملل، رفع نیازهای داخلی و سرانجام تغییر رفتار دیگر بازیگران. ممکن است یک کشور امنیت ملی نداشته باشد، اما سایر اهداف ملی خود را حفظ و نگهداری نماید. امنیت ملی را فی‌نفسه نمی‌توان به صورت یک ابزار عینی فرض نمود که با دستیابی به آن بتوان اهداف ملی را حفظ کرده و گسترش داد. آنچه مهم است احساس امنیت و اطمینان خاطر است که جامعه در لوای آن می‌تواند با خیالی آسوده اهداف خود را پی‌گیری نماید. وسیع‌پنداشتن اهداف ملی در تعریف امنیت ملی، در تمامی شرایط مثبت به نظر نمی‌رسد، بلکه حتی می‌تواند تهدیدزا نیز باشد. باید میان این دو مساله توازنی باشد که عامل توازن دهنده آن، سطح توانایی‌ها و مقدرات ملی است.

تهدیدها و آسیب‌پذیری‌های امنیت ملی

رخلاف قدرت ملی که برخی از فرصت‌های ملی و کسب امنیت را به ذهن متبادر می‌سازد، مبحث تهدیدها و آسیب‌پذیری‌های ملی، فقدان امنیت و ناامنی را در ملاحظات امنیت ملی یک کشور، مورد توجه قرار می‌دهد. جداسازی تأثیرات ملی از تهدیدها و یا آسیب‌پذیری‌های ملی کاری دشوار و حتی ناممکن می‌باشد. در واقع ترکیب این دو موضوع، سطح امنیت و ناامنی ملی را مشخص می‌سازد. آسیب‌پذیری، وجه داخلی ناامنی و تهدیدها، وجه خارجی آن است. بنابراین، هرچه دولت با توجه به عوامل تاثیرگذار فراوان داخلی ضعیف‌تر باشد، از

آسیب‌پذیری بیشتری برخوردار خواهد بود. این مساله در افزایش تهدیدها علیه آن دولت نیز کاملاً تاثیر مستقیم دارد. در واقع آسیب‌پذیری ممتد داخلی در نتیجه ضعف‌های درونی، موجب افزایش کیفیت و کمیت تهدیدهای بیرونی نیز می‌گردد. تعامل بیش از اندازه آسیب‌پذیری‌های درونی با تهدیدهای بیرونی در دولت‌های ضعیف به جایی خواهد رسید که عملاً نمی‌توان مرز چندان دقیقی میان دو حوزه آسیب‌پذیری‌ها و تهدیدها قائل شد. ضمن اینکه این تعامل باعث می‌گردد، بسیاری از آسیب‌پذیری‌ها تبدیل به تهدیدهای ملی گردند؛ ولی توانمندی ملی و برخورداری از یک دولت قوی باعث می‌گردد، بسیاری از آسیب‌پذیری‌ها از فرصت کمی برای نمود یافتن برخوردار شوند و از سوی دیگر تهدیدهای بیرونی نیز تا حدود زیادی با توجه به قدرت درونی مورد جذب و هضم قرار گیرند.

استراتژی ملی و استراتژی امنیت ملی

هر کشوری برای پی‌گیری سیاست‌های امنیت ملی خود، ناچار به داشتن درک روشنی از استراتژی ملی خود است. استراتژی ملی مجموعه‌ای از انتخاب‌های ملی است که با توجه به محدودیت‌ها و امکانات ملی به قصد نایل شدن به اهداف ملی تدارک می‌شوند. برای استراتژی ملی، دو زیر استراتژی در نظر گرفته می‌شود که عبارتند از استراتژی توسعه ملی و استراتژی امنیت ملی.

بر طبق این دیدگاه، کشورها در استراتژی توسعه ملی به تعقیب اهدافی می‌پردازند که متضمن رشد، توسعه، آبادانی و تکامل آن‌هاست. اما، کشورها در استراتژی امنیت ملی به دنبال اهداف امنیتی و بقای خود هستند. مرز کشیدن دقیق میان توسعه و امنیت، در برداشت‌های جدید امنیت ملی چندان واقعی به نظر نمی‌رسد.



جایگاه امنیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی

بر مبنای اسلام مورد استفاده واقع شده است، در حوزه امنیت ملی دانست. به طور مثال، فصل اول قانون اساسی که ۴۱ اصل را دربرمی‌گیرد، همگی شامل اصول و ارزش‌هایی است که برآمده از قرآن و سیره پیامبر و امامان است، اصولی مثل توحید، حاکمیت خداوند، رهبری مذهبی، عدالت، قسط و ... بنیادهای دینی قانون اساسی هستند. قانون اساسی در فصل سیزدهم، کلیت حوزه امنیت ملی را در ذیل شورای عالی امنیت ملی مشخص کرده است و تعریف این نهاد اینگونه است که به منظور تامین منافع ملی و پساداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ به رای مردم گذاشته شد، مرجع همه سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های ملی کشور می‌باشد. مقطع زمانی تاسیس قانون اساسی از لحاظ زمان و فضای بین‌المللی در دوران اوج جنگ سرد و سیطره‌ی نگرش سنتی جنگ محور به امنیت ملی بود.

اگرچه تعالیم اسلامی و آموزه‌های آن در قانون اساسی و کلیت نظام جمهوری اسلامی ایران کلی و گسترده است، اما نمی‌توان هر آنچه که

ملی، شورای عالی امنیت ملی تشکیل می‌شود. تمامیت ارضی در اصل ۱۷۶ به معنای حفظ قلمرو جغرافیای ایران در خشکی و دریاست. و هیچ‌کس حق ندارد به تمامیت ارضی کمترین خدشه‌ای وارد کند و حاکمیت ملی به معنای قوای سه‌گانه و نهاد ولایت فقیه در اصل همان حق حاکمیت خداوند است که به انسان واگذار شده است.

ماهیت حقوقی مصوبات شورای عالی امنیت ملی

مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تایید مقام رهبری براساس اصل ۱۷۶ قانون اساسی، لازم الاجراست. این تنها بخش از قانون اساسی به صورت روشن است و حتی کل نظام حقوقی ایران در خصوص مصوبات شورای عالی امنیت ملی بیان شده است و به دلیل سکوت قانون و انتشار نیافتن اخبار جلسات شورای عالی امنیت غیر رسمی بودن جلسات قضاوت درباره ماهیت حقوقی این مصوبات، کار آسانی نیست.

دیدگاه دکترین حقوقی

بررسی دیدگاه‌های مختلف از حقوق دانان به ما نشان می‌دهد که سه رویکرد نسبت به مصوبات شورای امنیت ملی وجود دارد:

- * مصوبات شورای عالی امنیت ملی به مثابه مقررات قانونی
- * مصوبات شورای عالی امنیت ملی به مثابه هنجارهایی در عرض قانون عادی
- * مصوبات شورای عالی امنیت ملی به مثابه هنجارهایی برتر از قانون عادی

مصوبات شورای عالی امنیت ملی به مثابه هنجارهایی برتر از قانون عادی

دسته ای از حقوق دانان و پژوهشگران با توجه به مسایل حقوقی موجود مانند نظریات شورای

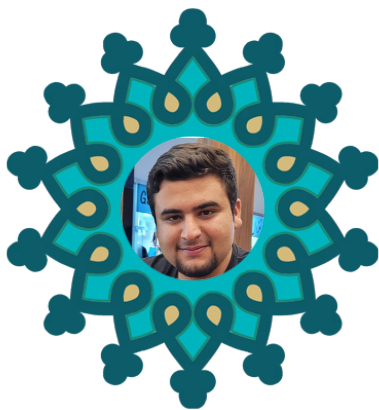
نگهبان و آرای مراجع قضایی بر این معتقد هستند که شورای عالی امنیت ملی می‌تواند در چارچوب محورهای سه‌گانه تعیین شده در اصل ۱۷۶ قانون اساسی به وضع مصوبه اقدام کند و این مصوبات در صورت رعایت چارچوب‌های تعیین شده از طریق سیاست‌های کلی دفاعی و امنیتی و تایید رهبری، لازم الاجرا می‌باشد. بر همین اساس، ماهیت حقوقی مصوبات را باید بالاتر از قانون‌های عادی و غیرقابل نقض و رد در اثر تصویب قوانین موخر تلقی کرد.

نتیجه گیری

در مجموع می‌توان گفت که جمهوری اسلامی ایران با تعیین نهادهای مختلف امنیتی، قضایی، دفاعی و قانون اساسی دینی خود تا حد قابل قبول و مطلوبی در تامین امنیت در کشور و منطقه غرب آسیا موفق بوده است و جزء دستاوردهای مهم این نظام می‌باشد. همچنین می‌توان گفت قانون برای حکومت‌ها و دولت‌ها باز است تا در زمان‌های مهم و اضطراری بتوانند امنیت را برتر آزادی بشمارند. و به این نتیجه می‌توان رسید که فقط جامعه بشری به دلیل حساسیت بالای امنیت و رابطه تقابل آزادی و امنیت، می‌تواند آزادی را محدود کرد.

فهرست منابع

- ۱) قربان پور، علی و محمد قربان پور (بی‌تا)، نقش قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در تامین امنیت، نشریات برتر علوم انسانی و اسلامی، جایزه ویژه علامه جعفری.
- ۲) مقدسی، مهدی و احسان اکبری (۱۳۹۶)، جایگاه حقوقی مصوبات شورای امنیت ملی در قانون اساسی، فصلنامه حقوق عمومی، دوره ۴۷، شماره ۴.
- ۳) مظلوم، علی (۱۳۸۸)، امنیت و امنیت ملی، مجله حصون، شماره ۱۹.



احمدرضا پوردرویش محمدی
دانشجوی کارشناسی فقه و مبانی حقوق
دانشگاه شیراز



تهمینه قائدی
دانشجوی کارشناسی فقه و مبانی حقوق
دانشگاه شیراز

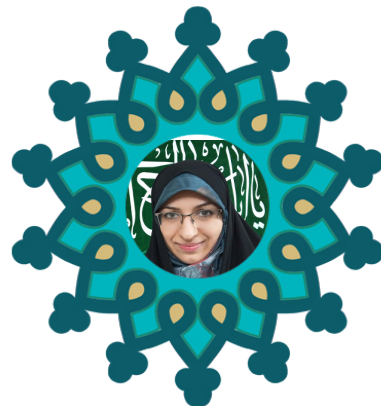
۴) رایت، رایین (۱۳۸۴)، آخرین انقلاب بزرگ: انقلاب و تحول در ایران، مترجم احمد تدین و شهین احمدی، تهران، انتشارات رسا.
۵) برینتون، کرین (۱۳۶۸)، کالبد شکافی چهار انقلاب، تهران، نشر نو.
۶) اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۵)، امنیت در نظام سیاسی اسلام، کانون اندیشه جوان.
۷) انصاری، مجید (۱۳۸۵)، جایگاه سیاست‌های کلی در نظام قانون گذاری ایران، مجموعه مقالات همایش یکصدمین سال قانون گذاری، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۸) اصلانی، فیروز و محمد فردکارل (۱۳۹۱)، امنیت جمهوری اسلامی و نهادهای سیاست‌گذار، فصلنامه حقوق، دوره ۴۲، شماره ۳.
۹) احمدی، نعمت (۱۳۸۲)، مصوبات شورای عالی امنیت و جایگاه قانون آن، ماهنامه گزارش، سال ۱۴، شماره ۱۴۸.
۱۰) کاظمی، علی اصغر (بی‌تا)، مدیریت بحران‌های بین‌المللی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.



معرفی کتاب

یکی از مسائل مهم و ضروری برای تامین سلامت جسم و روان افراد، امنیت برقرار شده در جامعه است. به عبارت دیگر، ورود افراد به جامعه، حفظ و بقای فرد مستلزم برقراری امنیت است. امنیت دارای مفهومی وسیع است که در بردارنده‌ی ابعاد متعددی است که در توصیف کتاب ذیل به یکی از ابعاد امنیت پرداخته شده است.

کتاب «امنیت در قرآن: رویکرد تفسیری تبیینی» به تالیف دکتر مرتضی خسروی بوده و انتشارات دانشگاه عالی دفاع (داعا) به زبان فارسی در سال ۱۳۹۶ منتشر کرده است. این کتاب شامل دوازده فصل است که به مسائل پیرامون امنیت از جمله مفهوم امنیت، جایگاه و اهمیت امنیت، مولفه‌های امنیت، اصول امنیت، ارکان نظریه امنیت، عوامل تهدید امنیت و ... پرداخته است.



سیده محبوبه کشفی
دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث
دانشگاه شیراز



مجله علمی دانشی عامه‌پسند
شماره ۱۴۰۱
مهرماه ۱۴۰۱

عقود
والصحة